



رویکرد معامله‌گرایانه ترامپ در قبال آفریقا

روز گذشته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا میزبان رهبران کشورهای گابن، گینه‌بیسائو، لیبریا، موریتانی و سنگال در مراسم ناهار برای گفت‌وگوهای تجاری در کاخ سفید بود. این دیدار بر «فرصت‌های تجاری» متمرکز بود که می‌تواند هم به نفع کمپانی‌های آمریکایی و هم شرکای آفریقایی باشد. مراسم ناهار نشان می‌دهد که دولت ترامپ نمی‌خواهد قاره آفریقا را نادیده بگیرد و برنامه دارد تا به‌صورت گزینشی تعامل کند. اهداف دولت واضح‌اند: تضمین توافقی در مورد مواد معدنی و زنجیره‌های تامین و به‌ویژه رقابت با چین. این امر بازتابی از موضعی است که مارکو روبیو، وزیر خارجه ایالات متحده در اوایل ماه جولای گرفته بود؛ زمانی که اعلام کرد آمریکا آنچه که او الگوی کمک‌رسانی خبریه‌محور به کشورهای خارجی را به همکاری با کشورهایی که «هم‌توانایی و هم‌تمایل کمک به خود را دارند» ترجیح می‌دهد. از حالا به بعد، سفرای آمریکا در آفریقا بر اساس تعداد توافقات تجاری که رقم بزنند، رتبه‌بندی می‌شوند. این رویکرد معامله‌گرایانه در سیاست خارجی برای بسیاری از رهبران کشورهای آفریقایی امری آشناست. در واقع برخی از آنها این شیوه را ترجیح می‌دهند؛ کسانی که از دیدن جایگزینی روایت‌های قدیمی ایالات متحده و متمرکز بر حکومتاری خوب، حقوق بشر و نهادسازی با معامله‌گری راضی خواهند بود. با این حال انتخاب مهمانان برای شرکت در مراسم ناهار با رئیس‌جمهور یادآور این است که رویکرد دولت ترامپ می‌تواند تصادفی باشد. رهبران کشورهای غربی و آفریقای مرکزی برخی از اقتصادهای نسبتاً کوچک را دعوت کردند که اکثر آنها از اولویت‌های واضح برای آمریکا برخوردار نیستند. اشتباه است که این فهرست مهمانان را بیش از حد تفسیر کنیم؛ دعوت از جوزف بواکای، رئیس‌جمهور لیبریا فرصت‌طلبانه بود چون او در حال حاضر در آمریکا حضور دارد. اما برخی از انگیزه‌ها روشن است. گنجاندن سنگال و گابن احتمالاً نشان‌دهنده نوعی هدف برای پادشاه به کشورهایی است که اخیراً به گذارهای سیاسی مطابق با قانون اساسی دست یافته‌اند (به‌ویژه در مورد گابن پس از کودتای سال ۲۰۲۳). رؤسای جمهور گینه بیسائو و موریتانی بدون شک در مورد چگونگی مقابله با انتقال مسیرهای مواد مخدر و مهاجران غیرقانونی صحبت خواهند کرد. برنده اصلی اومارو سیسوکو امبالو، رئیس‌جمهور گینه بیسائو است. در صورتی که آمریکا در گینه بیسائو سفارت ندارد و منافع تجاری حداقلی برای آمریکا در کشور وجود دارد، دعوت از او عجیب به‌نظر می‌رسد. امبالو به‌طور مرتب به روسیه، اروپا و آسیا سفر می‌کند و خود را یک دولتمرد بین‌المللی نشان می‌دهد اما او با چالش‌های داخلی قابل‌توجهی روبه‌روست و از زمانی که انتخابات دسامبر را به تعویق انداخته در سمت خود باقی مانده است. قانونمندی

دولت ادامه‌دار او مشخص نیست و دعوت ترامپ از او نشان‌دهنده نمایشی قابل‌توجه از حمایت از جایگاه اوست. کشورهای آفریقایی کم‌کم شاهد تغییر رویکرد دولت ترامپ هستند. برخی از اشکال جدید تعامل آمریکا اصلاً مثبت نیستند. در ماه آوریل، کشور کوچک آفریقایی لسوتو که عمدتاً الماس و پوشاک صادر می‌کند، بالاترین میزان تعرفه «روز آزادی» یعنی ۵۰ درصدی را دریافت کرد، صرفاً به این دلیل که هیچ کالایی را از آمریکا وارد نمی‌کند و تراز تجاری شدیداً نابرابری وجود داشت. آفریقای جنوبی تقریباً بلافاصله مورد هدف دولت قرار گرفت و کاخ سفید مدعی تبعیض دولتی علیه کشاورزان سفیدپوست شد. واشنگتن همچنین خصومت‌هایی با پرونده دیوان بین‌المللی دادگستری پرتوریا علیه اقدامات اسرائیل در غزه دارد. اما عضویت آفریقای جنوبی در بریکس رابطه‌این کشور با آمریکا را به آزمایش گذاشته است. ترامپ به بریکس مشکوک است و تهدید کرده تعرفه‌های بیشتری را بر کشورهای همسایه بریکس وضع خواهد کرد؛ امری که می‌تواند تبعات جدی برای آفریقای جنوبی و همچنین مصر و اتیوپی داشته باشد. رهبران آفریقایی متوجه خواهند شد که هر کسی که روابط شخصی با ترامپ داشته باشد می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر سیاست‌های ترامپ در آفریقا تأثیر بگذارد. ایلان ماسک تاجری که در آفریقای جنوبی به‌دینا آمده در روزهای اول دولت ترامپ همین نفوذ را داشت، فارغ از روابط سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور این کشور. دیپلماسی ترامپ در آفریقا در ماه آوریل با انتصاب ماساد بولوس به‌عنوان مشاور ارشد برای قاره آفریقا تقویت شده است. بولوس پیش از این به‌عنوان مشاور ارشد رئیس‌جمهور در امور اعراب و خاورمیانه خدمت کرده است. هنوز باید منتظر ماند تا ببینیم رویکرد معامله‌ای ترامپ در آفریقا چگونه در مقابله با نفوذ بکن در آفریقا عمل خواهد کرد.



عکس: AP

شلیک به قانون اساسی

اختیارات رؤسای جمهور آمریکا در اعلان جنگ تا چه حد است؟

کرد و آن را نقض غیرقانونی قدرت رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوا دانست. در چند دهه گذشته، O.L.C در رابطه با اختیارات رئیس‌جمهور نظرات بسیاری را مطرح کرده که به شکل حیرت‌انگیزی گسترده شده‌اند. هر رئیس‌جمهوری که بدون مجوز کنگره در درگیری مسلحانه شرکت کرده، آن را به‌روایی تبدیل کرده که بیشتر از قبل چارچوب‌های اجرایی قوه مجریه را بنظر قانون اساسی را گسترش داده است. همین امر آمریکا را به شرایطی رسانده که در آن یک رئیس‌جمهور می‌تواند منطقاً ادعا کند که برای انداختن بمب‌های سنگرشکن بر کشوری که هیچ‌وقت به ایالات متحده آمریکا حمله نکرده، بدون مجوز کنگره یا مشاوره با آن، کار غیرقانونی انجام نداده است. شاید تصور عمومی این باشد که ترامپ به اقدامات اسلاف خود ذره‌ای اهمیت نمی‌دهد اما نحوه توصیف عملیات آمریکا در حمله به ایران در نامه‌ای که چند روز پس از حمله به کنگره ارسال شد، نشان می‌دهد که از نزدیک از شیوه‌های اجرایی رؤسای جمهور پیش از خود مطلع بوده است. او در این نامه به فرمولاسیون کلیدی نگرش‌های پیشین OLC اشاره می‌کند و می‌گوید که حملات او «به‌طور نامحسوس» تاسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار داده، «از نظر دامنه و هدف» محدود بوده و مشارکت نیروهای زمینی را در پی نداشته؛ به این معنی که این عملیات در چارچوب آنچه OLC توصیف می‌کند عملیات جنگی به‌شمار نمی‌رود و در نتیجه نیازی به دریافت مجوز کنگره هم نداشته است. توجیه‌های ترامپ همچنین منعکس‌کننده رویه‌های پیشین OLC است مبنی بر اینکه هر رئیس‌جمهوری می‌تواند با هدف دنبال کردن «منافع ملی» و «دفاع جمعی» به‌طور یکجانبه از نیروی نظامی در عملیات‌های خارج از کشور استفاده کند. این دفتر تفسیر گسترده‌ای از «منافع ملی» ارائه می‌دهد که شامل «تضمین امنیت ارسال مواد غذایی و دارو در سومالی» در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش اول، «کمک به متحدیای شریک استراتژیک» در عراق در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما و جلوگیری از «استفاده و تکثیر سلاح‌های شیمیایی» در سوریه در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ است و «دفاع جمعی» می‌تواند تنها به معنی دفع یک حمله قریب‌الوقوع بلکه به معنای دفع حملات در آینده و دفاع از متحدان نیز باشد. در اکتبر ۲۰۲۳ جک گولداسمیت، کارشناس برجسته در حوزه اختیارات جنگی و استاد دانشگاه حقوق هاروارد می‌نویسد، تحت مجموعه نگرش‌های OLC «تقریباً هر شرایطی قابل‌تصور» که در آن رئیس‌جمهور «استفاده از زور در خاورمیانه» را به صلاح بداند، قابل توجیه است. همانگونه که ترامپ به‌طور مرتب ادعا می‌کند، کاهش سرعت توانایی ایران در رسیدن به سلاح‌های هسته‌ای هم در راستای «منافع ملی» و هم «دفاع جمعی از متحد آمریکا» یعنی اسرائیل را برآورده می‌کند. اخیراً

در تلاشی نادر برای اعمال اختیارات قانونی کنگره علیه دونالد ترامپ، دست‌کم در حالی که انتظار داشتند آتش‌پسی بین ایران و اسرائیل برقرار شود، از بین رفته است. معمولاً برای مطابقت دادن اقدامات ریاست‌جمهوری با قانون اساسی، به رویه‌های دیوان عالی در موارد مشابه در گذشته رجوع می‌شود. اما هیچ‌کدام از رخداد‌های گذشته نمی‌توانند پاسخ قانونمندی برای مجاز بودن حملاتی مانند حمله به ایران ارائه دهند. تنها پرونده مرتبط در دادگاه به زمان جنگ داخلی آمریکا برمی‌گردد. در این پرونده آمده کنگره تنها نهادی است که اختیار «اعلان جنگ» را دارد اما زمانی که یک کشور خارجی به ایالات متحده آمریکا حمله کند، مجوز کنگره غیرضروری است و اختیار قانونی رئیس‌جمهوری به عنوان فرمانده کل قوا برای اجرای عملیات کفایت می‌کند. این دادگاه اشاره می‌کند که رئیس‌جمهوری نمی‌تواند «آغازگر جنگ» باشد اما در هیچ کجای آن تعریف معتبری از «جنگ» در مقابل درگیری مسلحانه ارائه نشده است. از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف گاهی به رؤسای جمهور مجوز به کارگیری از نیروی نظامی در درگیری‌ها که به‌طور عامیانه «جنگ‌ها» شناخته می‌شوند، مثل جنگ ویتنام، خلیج فارس، افغانستان و عراق داده شده است. اما زمانی که کنگره چنین مجوزی صادر نکرده باشد، رؤسای جمهوری اغلب به «دفتر مشاوره قانونی وزارت دادگستری» O.L.C روی می‌آورند. این نهاد نظرات و دیدگاه‌هایی را ارائه می‌دهد که از نظر قانونی الزام‌آور نیستند اما تلاشی برای ارائه مرزهای درست قانونی محسوب می‌شوند که رئیس‌جمهور باید به آنها احترام بگذارد. رؤسای جمهور به‌طور مرتب بر اساس این نظرات به‌طور یکجانبه وارد خصومت‌های قابل‌توجهی شده‌اند، مثل جنگ کره، کوزوو و لیبی.

▼ قانون اختیارات جنگی ۱۹۷۳

کنگره با تصویب قانون اختیارات جنگی ۱۹۷۳ (علی‌رغم ونوی ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت که آن را مخالف قانون اساسی آمریکا می‌دانست) به منظور بررسی اختیار رؤسای جمهور در استفاده یکجانبه از قدرت است که از رئیس‌جمهور می‌خواهد قبل از ورود نیروهای نظامی به درگیری‌ها با کنگره مشاوره کند و تأیید مجلس قانون‌گذاران را برای اعزام سربازان به درگیری‌هایی که بیش از ۶۰ روز طول می‌کشند، به‌دست آورد. اما هم رؤسای جمهور دموکرات و جمهوری‌خواه به‌طور کامل از این قانون تبعیت نکرده‌اند و کنگره هم در مقابل اقدام خاصی انجام نداده است. در هفته‌های اخیر برخی از قانون‌گذاران مصوبه‌های جدید اختیارات جنگی را مطرح کرده‌اند تا بتوانند جلوی ترامپ را از حمله به ایران بگیرند مگر آنکه کنگره مجوز آن را صادر کند اما مایک جانسون، رئیس‌مجلس نمایندگان با این ایده مخالفت



یاسمن طاهریان
خبرنگار گروه بین‌الملل

آخرین باری که ایالات متحده آمریکا با پیروی از قانون اساسی وارد جنگ شده به دسامبر سال ۱۹۴۱ برمی‌گردد؛ پس از حمله به جزیره پرل هاربر و اعلان جنگ علیه ژاپن. از آن زمان آمریکا جنگ‌های متعدد و اقدامات نظامی را انجام داده که تصمیم‌گیری برای آنها بدون تأیید کنگره و منحصر از سوی رئیس‌جمهور آمریکا که به عنوان فرمانده کل قوا شناخته می‌شود صورت گرفته‌اند. همانگونه که جورج فریدمن در اندیکسده ژئوپلیتیکال فیوچرز می‌نویسد، دلیل حملات نظامی امروزی که بدون صدور مجوز از سوی کنگره انجام می‌شوند تا حد زیادی به تحولات فناوری و ماهیت جنگ‌های مدرن برمی‌گردد. با اینکه کنگره آمریکا این اختیار را دارد تا به تصویب بودجه برای جنگ رای ندهد، اما قانون‌گذاران به‌ندرت و فقط به شکل محدود، از این اختیار استفاده کرده‌اند. به‌گفته فریدمن زمانی که قانون اساسی نوشته شد، آمریکا با سرعت کندی‌تری در جنگ‌ها شرکت می‌کرد و بسیج نیروها و تصرف یک کشور نسبت به امروز زمان بیشتری می‌برد.

توسعه فناوری باعث شده تا چارچوب‌های قرن هجدهم برای اعلان جنگ منسوخ تلقی شوند. به گفته فریدمن بحث و گفت‌وگو در کنگره آمریکا بر سر حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران یکی از المان‌های اساسی جنگ یعنی المان غافلگیری را حذف می‌کرد. علاوه بر آن یکی از المان‌های اساسی دیپلماسی را هم تضعیف می‌کرد: توانایی در تهدید نظامی واقعی مگر اینکه طرف مقابل امتیاز بدهد. اگر رئیس‌جمهور نتواند بدون بحث عمومی در کنگره چنین تهدیدهایی را مطرح کند، پس این تهدیدها فوریت خود را از دست می‌دهند و از میزان متقاعد کردن آن‌ها کاسته می‌شود و در نتیجه، هم مجرمانه ماندن و هم ایهام در عملیات که برای جنگ و دیپلماسی ضروری به‌شمار می‌روند، به خطر می‌افتد.

به گزارش نیویورک، قدرت اجرایی نامحدود و فرسایش حاکمیت قانون، دونگرانی مرتبط با همدیگرند که باعث افزایش نگرانی عمومی از دولت ترامپ شده است. این دو نگرانی در بحث و جدل‌ها درباره قانونمندی بودن تصمیم ترامپ برای بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران، یک‌پس‌پس از حمله اسرائیل شدت گرفته‌اند. اعضای هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا در تلاش برای جلوگیری از اقدام نظامی ترامپ بدون دریافت مجوز مصوبه‌هایی را ارائه کرده بودند. اما به‌نظر می‌رسد انرژی برخی از قانون‌گذاران